

## شنبه عشق

📖 گوهری بود در خزانه‌ی غیب که آن را از نظر خازنان پنهان داشته بود و خزانه‌داری آن به خداوندی خویش کرده، فرمود که آن را هیچ خزانه لایق نیست الا حضرت ما یا دل آدم؛ آن چه بود؟ گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند و بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانه‌داری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود که به آفتاب نظر پرورده بود و به خزانه‌داری آن جان آدم شایسته بود.

**خازن: نگهبان (در این متن، فرشته)**

**«امانت» اشاره دارد به آیهی ۷۲ از سورهی احزاب: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین‌ها و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان آن را بر دوش کشید. به‌درستی که او ستمگر و نادان بود.»**

مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبت و  
بندگی به کمال دارد و هم علم و معرفت به کمال دارد تا بار امانت مردانه و  
عاشقانه در سفت جان کشد.

**سفت: دوش**

هر خازنی به گنج امانت امین نبود

این قرعه را کشید مشیت به نام ما

**مشیت: اراده‌ی خدا**

آدمی گر خون بگیرد از گران جانی رواست

آن چه نتوانست بردن آسمان بر دوش اوست

# ۱- عبارت: «مجموعه‌ی می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت جان کشد» با مفهوم کدام بیت نامتناسب است؟

- |                                     |                                      |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| (۱) دور از تو ستون خانه‌ی غم شده‌ام | بار غم عالم همه بر دوش من است        |
| (۲) آسمان سست‌پی، مرد شکوه عشق نیست | رخش می‌باید که رستم را به میدان آورد |
| (۳) آسمان بار امانت نتوانست کشید    | قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند     |
| (۴) در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد   | عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد     |

**گزینه ۱ پاسخ است.**

عبارت روی سؤال و گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) به آغاز آفرینش انسان اشاره دارند. زمانی که خداوند امانت عشق را به آسمان‌ها عرضه کرد و آسمان از پذیرفتن آن سرباز زد اما انسان آن را پذیرفت.

اما در گزینه‌ی (۱) شاعر می‌گوید: از زمانی که از معشوق دور افتاده‌ام غم‌های عالم بر دوش من است.